

## تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی اسرائیل

جعفر رجبی قره قشلاقی\*

۱۴۵

### چکیده

شکاف‌های اجتماعی بر حسب عوامل گوناگون از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است و می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر جامعه داشته باشد. شکاف‌های اجتماعی در جامعه اسرائیل در مقایسه با شکاف‌های اجتماعی جوامع دیگر، پدیده بسیار خاص، متفاوت و قابل توجهی است. این خاص و متفاوت بودن عمدتاً نتیجه شرایط تاریخی است و ماهیت، قدمت، تنوع، پیچیدگی و میزان تأثیرگذاری آنها اهمیت مضاعفی به این پدیده می‌بخشد. این مقاله بر اساس نظریه کرایس در مورد شکاف‌های اجتماعی که نگاه حداکثری به شکاف دارد، در پی آن است که شکاف‌های موجود در جامعه اسرائیل را که انسجام ملی و شکل‌گیری هویت واحد را با مشکل مواجه کرده است، به عنوان تهدیدی بر امنیت اجتماعی و در سطح کلان بر امنیت ملی بررسی نماید.

**کلید واژگان:** شکاف‌های اجتماعی، اسرائیل، هویت، اشکنازی، سفاردیم، فلسطینی‌ها، اعراب

\* کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه از دانشگاه علامه طباطبائی  
فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال دهم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۴۵-۱۷۶.

♦ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

وضعیت جامعه اسرائیل وضعیتی منحصر به فرد بوده و نمی توان آن را جامعه ای طبیعی محسوب کرد؛ زیرا این جامعه از جمعیتی مهاجر شکل گرفته و ملتی که به نام «ملت اسرائیل» شناخته می شود، جمعیتی را شامل می شود که از مناطق و کشورهای مختلف در اسرائیل گرد هم آمده و به هم پیوسته اند. شکل گیری ملت اسرائیل نتیجه یک فرایند تدریجی و درازمدت نبوده، بلکه براساس مهاجرت یهودیان از نواحی مختلف و برطبق برنامه کلی صهیونیسم به این سرزمین شکل گرفته است. مهاجرانی که از بیش از ۱۰۰ کشور با فرهنگها و قومیتهای متفاوت وارد اسرائیل شده اند.

به طور کلی جامعه اسرائیل دارای سه ویژگی مهم است و همه رخدادهای مربوط به جامعه اسرائیل مرتبط با این سه ویژگی است: نخست اینکه، اکثریت جامعه از مهاجران یا فرزندان آنها تشکیل شده است؛ مهاجرانی که از زمان تشکیل گروههای صهیونی به آنجا مهاجرت کرده اند و تا امروز هم فرایند مهاجرت ادامه دارد.

دوم اینکه این جامعه، جامعه اسکان یافتگان است؛ بدان معنی که این جامعه صرفاً جامعه مهاجران تلقی نمی شود، بلکه در نتیجه فعالیتهای استعماری تشکیل شده است. جدال دایم بین اسکان یافتگان و بومیان که اعراب آواره فلسطینی هستند، هرگز متوقف نشده و همین جدال ساختمان، جامعه، سیاست و اقتصاد اسرائیل را تشکیل داده است. ژنرال دایان در سخنرانی مشهور خود در مراسم تدفین یکی از ساکنان کیبوتص\* های اسرائیل که به دست پارتیزان های فلسطینی کشته شده بود، اعلام کرد: «ما جامعه اسکان یافتگان بدون توپ و تانک قادر به ساختن یک خانه و کاشتن یک درخت نیستیم. بگذارید از کینه که صدها هزار عرب در اطرافمان که ما را به هیجان درآورده، نهراسیم. بیایید از زیر بار شانه خالی نکنیم و مبادا دستهایمان بلرزد و این سرنوشت نسلهای ماست. تنها راه زندگی ما این است که آماده و مسلح، قوی و خشن باشیم تا مبادا شمشیر از دستان بیفتد و زندگیمان به پایان برسد.»

سوم، تنوع قومی جامعه اسرائیل است. این تعدد خرده فرهنگها، اقوام و زبانها ناهمگونیهایی را در جامعه اسرائیل ایجاد کرده است.<sup>۱</sup> این ناهمگونیها در قالب قومیتها،

\* مزارع مشترک

فرهنگها، نگرشهای مختلف مذهبی تجلی پیدا می کند و به شکافهای اجتماعی منجر می شود و امنیت ملی اسرائیل را تهدید می کند.

با توجه به موارد گفته شده، پرسش که مقاله این است که: شکافهای اجتماعی در جامعه اسرائیل کدامند و چه تاثیری بر امنیت ملی اسرائیل دارند؟ در پاسخ به پرسش مذکور می توان این فرضیه را مطرح کرد: شکافهای اجتماعی جامعه اسرائیل در سه حوزه قومی، دینی و سیاسی قابل دسته بندی بوده و مجموعه این شکافها از طریق تضعیف هویت ملی، تهدیدی اساسی برای امنیت ملی اسرائیل محسوب می شود. برای بررسی این فرضیه و یافتن پاسخ احتمالی به پرسش مذکور، ابتدا از منظر تئوریک به شکافهای اجتماعی و امنیت ملی خواهیم پرداخت. سپس، نگاهی گذرا به ریشه های شکل گیری دولت صهیونیستی خواهیم داشت.

۱۴۷

### تعریف شکاف اجتماعی

شکاف اجتماعی کلید واژه اصلی موضوع بحث است که گاه به جای آن از اصطلاحات تضاد اجتماعی و تعارض اجتماعی استفاده می شود. برخیها از اصطلاح فاصله اجتماعی هم بهره می گیرند که دیرینه شناسی آن به مارکس و وبر برمی گردد.<sup>۲</sup> البته هر سه اصطلاح به مقوله تقابل در جامعه اشاره دارند، اما تفکیک چند عنصر از یکدیگر به دقت تعریف و امکان تفکیک مفهومی این سه بسیار کمک می کند. نخست، تقابل اجتماعی می تواند هم نموده های خشونت آمیز مانند شورش و انقلاب و هم نموده های مسالمت آمیز مانند رقابتهای حزبی و انتخاباتی داشته باشد. دوم، تقابل اجتماعی می تواند گذرا و مقطعی یا پایدار و ماندگار باشد. سوم، تقابل اجتماعی هم در ساختار جامعه ایجاد شده و باعث گسست و صف آرای و گروه بندی در ساختار جامعه می شود و هم موجب نوعی عدم تعادل و توازن در بافت جامعه می گردد.<sup>۳</sup>

بر اساس دسته بندیهای فوق می توان به تعریف شکافهای اجتماعی پرداخت. شکاف اجتماعی تنها آن دسته از تقابلهایی که ساختاری و موجد گسست، صف آرای و گروه بندی در ساختار جامعه باشد. در این ساختار گروههای اجتماعی از یکدیگر جدا و در مقابل هم قرار

می‌گیرند و اختلافات اساسی در مورد مسایل اصلی جامعه است و نوعی دوقطبی در جامعه وجود دارد، به طوری که همسو کردن نظرات متفاوت به آسانی امکان پذیر نیست.

### نظریه کرایس

باتوجه به نظریه‌هایی که در مورد شکافهای اجتماعی وجود دارد، دست کم می‌توان میان دو نوع حداقلی و حداکثری از مفهوم شکاف اجتماعی تمایز قایل شد. مفهوم حداقلی، شامل آن دسته از مفاهیمی است که صرفاً شکافهای مربوط به ساخت اجتماعی و گروه‌بندیهای اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. اما مفهوم حداکثری هم‌زمان سه سطح متفاوت یعنی ساخت اجتماعی، ساخت آگاهی و ساخت سیاسی را در این مفهوم در بر دارد. به تعبیری شکافهای حداقلی برای پیدایش شکافهای سیاسی لازم‌اند، اما کافی نیستند. شرط کفایت و تحقق شکافهای سیاسی وجود دوسطح دیگر از شکافهایی است که در مفهوم سازی حداکثری مورد توجه قرار گرفته است. به این اعتبار صرف وجود شکافهای ساخت آگاهی موجب شکاف در ساخت سیاسی حاصل می‌آید و به این ترتیب شکافهای پنهان و بالقوه، بالفعل می‌شوند.<sup>۴</sup> فرض کلی نظریه پردازان این است که شکافهای اجتماعی موجب پیدایش شکافهای سیاسی می‌شود، که جامعه را دو قطبی و از تعادل خارج می‌سازد. یکی از نظریه‌هایی که نگاه حداکثری به شکافهای اجتماعی دارد نظریه کرایس است که برای تحلیل شکافهای اجتماعی جامعه اسرائیل مناسب‌تر به نظر می‌رسد. نظریه کرایس به بررسی شکافهای سیاسی و قطبی شدن جامعه می‌پردازد. او معتقد است در تعیین شکافها سیاسی سه جنبه باید درک شود: ۱. شکافهای ساختاری اجتماعی بر اساس پایه جمعیتی؛ ۲. عامل هنجاری مرتبط با تنظیم ارزشها و عقایدی که یک حس هویتی را در گروههای اجتماعی درگیر می‌کند؛ و ۳. عامل سازمانی یا رفتاری که به کنش متقابل نهاد و سازمان مثل احزاب سیاسی مربوط می‌شود. براین اساس کرایس معتقد است که برای اینکه یک شکاف در سیستم سیاسی بیان شود، همه اجزای آن باید وجود داشته باشد. اگر صف بندیها کامل باشد مشکلات تاثیر حداکثری بر سیستم سیاسی دارند. او معتقد است یکی از عناصر شکاف هنگامی موثر است که یک تفاوت و دو تقسیم مساوی باشد و فقط هنگامی که سه عنصر

شکاف در یک خط کامل باشند، جامعه قطبی شده و انسجام و هویت ملی را خدشه دار می‌کند.<sup>۵</sup> در نمودار شماره ۱ مدل کرایس را مشاهده می‌کنیم.

بنابراین می‌توان نبود هویت ملی فراگیر را تهدیدی بر امنیت اجتماعی دانست. امنیت اجتماعی طبق نظریه مکتب کپنهاگ از جمله ایده‌های باری بوزان واولی ویور، ناظر به بعد هویتی گروه‌های اجتماعی است و با معیارهایی چون توانایی جامعه در تدواوم و استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول خود با حفظ فرهنگ، زبان مذهب و آداب و رسوم تعریف می‌شود. ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تاکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتش را جستجو می‌کند؛ به طوری که باید قادر به حل اختلافات هویتی باشد.<sup>۶</sup> ویژگیهای مشترک که به تعبیری هویت نامیده می‌شود، موضوع مورد بحث امنیت اجتماعی است. بوزان معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه و یا بالفعلی به عنوان تهدید برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. به بیان دیگر، نظریه پردازانی چون بوزان و ویور، بر این باورند که هویت هر مجموعه انسانی از جمله گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی، به نوعی با موجودیت آنها گره خورده و هرگونه تهدیدی علیه این مولفه‌های هویتی، از نظر آنان، خطری برای موجودیت و امنیتشان قلمداد می‌شود که می‌تواند واکنش‌های خشونت آمیز آنها را برای حفظ موجودیت و امنیتشان در پی داشته باشد. بر این اساس، هر راهبردی برای تامین انسجام اجتماعی در سطح ملی، باید تضمین کننده امنیت اجتماعی باشد. بنابراین، هرگونه تهدیدی بر امنیت اجتماعی می‌تواند در سطح گسترده تهدیدی بر امنیت ملی باشد. باری بوزان برای آن که تعریف جامع تری از امنیت ملی ارائه دهد، در یک تقسیم بندی کلی امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله تقسیم می‌کند: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی و امنیت اجتماعی. با تهدید هر یک از آنها امنیت ملی کشورها به مخاطره خواهد افتاد.<sup>۷</sup>

با توجه به نظریه کرایس، شکافهای اجتماعی در جامعه اسرائیل در مفهوم حداکثری قرار می‌گیرند؛ به این معنی که شکافها در جامعه اسرائیل در سه سطح قابل شناسایی هستند.

الف. ساخت اجتماعی: که به تفاوت‌های قومی، دینی، طبقاتی و زبانی در یک جامعه معین اشاره می‌کند. براساس بافت جامعه اسرائیل که یک جامعه مهاجر است، این تفاوتها از سایر جوامع بیشتر نمود پیدا کرده و موجب گروه‌بندی‌هایی در ساخت جامعه شده است.

ب. ساخت آگاهی (نگرشی): یعنی شکافهایی که در قالب نگرشها، ارزشها، ایدئولوژیها، هویتها و هنجارها ظاهری شود. در این سطح اعضای گروهها خود را در ستیز با دیگران تعریف می‌کنند؛ همچنان که در جامعه اسرائیل عرب‌ها در مقابل یهودیان، سفاردی‌ها در مقابل اشکنازی‌ها و سکولارها در مقابل دینداران قرار می‌گیرند و هر یک از آنها بر ارزشها و ایدئولوژیهای خود تاکید دارند.

ج. ساخت سیاسی: این سطح از دو سطح دیگر تاثیرپذیر بوده و احزاب سیاسی معرف آن به شمار می‌آید. نظام سیاسی حزبی اسرائیل با وجود تعداد زیادی از احزاب، متمایز از دیگر نظامهاست و این امر نشان دهنده شکافهای متعدد در جامعه اسرائیل است. شکاف عربی-یهودی، شکاف سفاردی-اشکنازی و شکاف سکولارها و دینداران منجر به تاسیس احزاب متعدد و متنوع براساس هویتها و منافع هر گروه شده و انسجام و هویت ملی اسرائیل را از بین برده است.

### نگاه تاریخی

برای بررسی شکافهای اجتماعی جامعه اسرائیل می‌توان از نظر تاریخی آن را به دو دوره پیش و پس از تاسیس دولت اسرائیل تقسیم کرد. دوره نخست: پیش از تاسیس دولت اسرائیل ادوار زندگی یهودیان مطابق نمودار ۲ به سه دوره تقسیم می‌شود: جامعه باستانی که به دست حضرت موسی (ع) شکل گرفت؛ انقراض دولت یهود توسط بابلیان و آغاز دوره تبعید و تشکیل دولت-ملت در اروپا که یهودیان پراکنده در سایر جوامع در قالب دوگروه ادغام‌گرایان که مایل به ماندن در قالب اقلیت مذهبی در ملتهای محل زیستشان بودند و به اصلاح‌گرایان شهرت یافتند، و طرفداران رهایی یهود که به صهیونیست مشهور گردیدند،<sup>۱</sup> شکل گرفتند ولی عواملی مانع بروز شکاف بین گروههای یهودی شد که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

◆ اسرائیل شناسی- آمریکا شناسی

- فروکش کردن شعارهای مساوات و عدالت طلبی در حقوق و وظایف برای همه بر اساس قانون شهروند واحد در پی بازگشت نظام پادشاهی به فرانسه و سیطره دوباره افکار ارتجاعی و واپس گرایانه بر اروپا و حاکمیت روح شوونیستی و تعصب نژادی؛  
- اکثر جنبشهای یهودی فعال در کشورهای اروپای شرقی مستقر بودند که نظامهای اقتدارگرا و مستبد آنها حاکم بود؛  
- نگرش تحقیر آمیز به دیانت یهود در کشورهای اروپایی؛  
- عملیات سرکوب و ترور که در حق یهودیان خارج از گتو به ویژه در اروپای شرقی اعمال می شد؛

- رقابت سرمایه داران مسیحی با یهود در عرصه های فعالیت یهود؛  
- افزایش روزافزون تعداد یهودیان در روسیه.<sup>۹</sup>  
دوره دوم پس از تاسیس دولت: در دوره اول با وجود اختلافاتی که جریانات صهیونیسم باهم داشتند، گرایش به مرکز موجب شد تا این اختلافات مشکلی در تاسیس دولت اسرائیل ایجاد نکند. البته رهبران صهیونیسم فکر می کردند که فرایند ملت سازی کار ساده ای است و بر اساس پروژه دیگ ذوب کننده می توان تمامی فرهنگها، ارزشها و قومیتها را در این دیگ ذوب کرد و یک هویت واحد را شکل داد. شکست نظریه «دیگ ذوب نژادی» بن گوریون نتیجه تبعیض و توجه خاص صهیونیسم به گروه یهودیان غربی بود و این تبعیض موجب از بین رفتن مفهوم «هویت اسرائیلی یکسان برای همه مهاجران» و به وجود آمدن شکافهای متعدد در جامعه اسرائیل شد. این دیگ ذوب کننده نتوانست یهودیان مهاجر اسرائیل را که از بیش از ۱۰۰ کشور جهان آمده بودند و هر یک فرهنگ زادگاه خود را همراه داشتند و تنها وجه اشتراک آنها مذهب بود، بسان کوره ذوب کننده به صورت اجزای یک جامعه جدید درآورد.  
دیوید بن گوریون، نخستین نخست وزیر اسرائیل، از همان آغاز متوجه شد که پیروزی پروژه صهیونیسم وابسته به ذوب قومیت گرایی و تفاوتهای فرهنگی و تولید فرهنگ واحد و هویت ملی است. بن گوریون این پروژه را «دیگ ذوب کننده» نامید. در این کوره، یهودی آمریکایی با ویژگی یک انسان جامعه پسا صنعتی در کنار یهودی بی سواد اروپای شرقی قرار می گرفت و پیوند آنها کار آسانی نبود، یهودی که سالها با حکومت شوروی مبارزه کرده و

شماره اردوگاه نازی‌ها بر بازوی او حک است و یهودی که از صد حادثه جان به دربرده تا خود را از لیبی به اسرائیل برساند. هر یک از اینها توقعاتی دارند که هیچ دولتی نمی‌تواند پاسخگوی آن باشد.<sup>۱۰</sup> براین اساس، مهاجران در بطن دولت تازه تاسیس نیز آداب و رسوم و سنت‌های محل سکونت را با خود یدک می‌کشند و در سایه همین آداب و رسوم در سلسله مراتب اجتماعی خاص جا می‌گیرند. براین اساس، شکافهای اجتماعی عمده در جامعه اسرائیل که مانع شکل‌گیری هویت واحد و منسجم ملی شده و زمینه‌ای برای تهدید امنیت ملی فراهم آورده‌اند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. شکافهای قومی میان اعراب و یهودیان، شکاف میان اشکنازی و سفاردیم؛ ۲. شکاف میان مذهبی‌ها و سکولارها؛ و ۳. شکاف میان چپ و راست.

### شکاف عربی یهودی

تعداد عرب‌های اسرائیل بالغ بر یک میلیون نفر است که ۸۳ درصد آنها مسلمان، ۱۲ درصد مسیحی و ۵ درصد دروزی هستند. بیشترین تجمع اعراب در سه منطقه جلیل شمالی، مثلث و صحرای نقب (عشایر عرب) قرار دارد که ۵۳ درصد آنان در منطقه جلیل (شهرهای عکا، ناصره، طبریه، صفد) ۳۵ درصد در مثلث مرکزی (شهرهای حیفا، غرب جنین، یافا، لد) و ۱۲ درصد در صحرای نقب (۷ روستا) زندگی می‌کنند. در بین شهرهای اشغالی، حیفا اکثریت جمعیت عرب تبار را دارد.<sup>۱۱</sup> وجود برخوردهای مداوم بین عرب‌ها و اسرائیلی‌ها، دشمنی بین آنها را شدت می‌بخشد و بالقوه به عنوان ستون پنجم دشمن و اسب تروایی که دشمن دولت باقی مانده‌اند، شناخته می‌شوند.<sup>۱۲</sup>

به تعبیری فقری که اعراب فلسطینی به آن دچارند، اسفناک است. اسرائیل خود را دولتی یهودی معرفی می‌کند، و این تعریف بردگی و اسارت دست کم ۲۰ درصد جمعیت را که به طور رسمی غیر یهودیان نامیده می‌شود، نشان می‌دهد. امکان ندارد مساوات و برابری حقیقی برای شهروندان فلسطینی وجود داشته باشد، چرا که اسرائیل دولت شهروندان خود نیست، بلکه دولت تمام یهودیان جهان است.<sup>۱۳</sup> جدول شماره ۱ تا حدودی این وضعیت را نشان می‌دهد.



تبعیض و نابرابریهایی که علیه فلسطینی های اسرائیلی اعمال می شود، بستر مناسبی برای شکل گیری هویت واحد می باشد. اگر نظری به گذشته داشته باشیم ریشه های شکل گیری هویت فلسطینی به دوران مهاجرت صهیونیست ها به فلسطین بر می گردد که طی آن به تدریج نوعی هویت مشترک فلسطینی شکل گرفت اما همبستگی آنها بسیار ضعیف بود. این امر در سال ۱۹۳۶ قیامهایی را در پی داشت که در نهایت سرکوب شد. در سالهای اولیه دولت اسرائیل که بسیاری از فلسطینی ها از خانه و کاشانه خود اخراج شدند، فلسطینی های باقی مانده به ناچار در چارچوب مقررات سخت حکومت نظامی به زندگی خود ادامه دادند. آنها به ندرت می توانستند باهم ارتباط برقرار کنند. اما بعد از سال ۱۹۶۶ که محدودیتهای حکومت نظامی برداشته شد ارتباط غیر یهودیان بیشتر شد و بستر مناسبی برای تقویت هویت به وجود آمد. در کنار این تبعیض و محرومیت ها چالش هویتی با هویت اسرائیلی نیز از موارد اصلی برخورد میان اقلیت فلسطینی و یهودیان بود؛ چرا که جداسازی و تبعیضات از عوامل زمینه ساز کسب خودآگاهی بیشتر و تقویت هویت مبتنی بر این خود آگاهی به شمار آورد.<sup>۱۴</sup> در واقع هویت یک جهت گیری روانی است که می تواند واکنش عاطفی قوی به بار آورد. وقتی در جوامعی شکافهای اجتماعی وجود داشته باشد، به خصوص در جامعه اسرائیل به عنوان یک کشور مصنوعی، می تواند از موجب نارضایتی و اعتراض گروههای دیگر جامعه در قالب مسالمت آمیز و یا خشونت آمیز شود. حوادث دو دهه گذشته نشان می دهد که هویت فلسطینی در میان اقلیتهای عرب افزایش یافته است و به رغم کوشش دولت اسرائیل، هویت فلسطینی ها در حال افزایش است. از جمله عوامل موثر بر رشد و تقویت هویت فلسطینی می توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. تغییرات اجتماعی در جمعیت فلسطین (بالارفتن آموزش و آگاهی در میان فلسطینیان)؛

۲. مقاومت ملی گرایی عرب که در حال رقابت با هویت یهودی است؛

۳. اشغال نوار غزه که حس ملی گرایی فلسطینی را در فلسطینیان اسرائیل تقویت

کرد؛

۴. شروع انتفاضه نخست در سال ۱۹۸۷ و انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ ملی گرایی

فلسطینی را تشدید کرد؛

۵. اعمال محدودیتها بر مردم فلسطین توسط اسرائیل موجب شد تا آنها هویت فلسطینی خود را بروز دهند.<sup>۱۵</sup>

بر اساس یافته‌های ندیم در باب هویت، ۶۶ درصد از فلسطینی‌های اسرائیلی هویت خود را در کل فلسطینی یا بخشی از آن می‌دانند و هویت اسرائیلی را رد می‌کنند. در واقع، هویت اسرائیلی فقط به صورت قانونی و رسمی برای آنها است، اما هویت فلسطینی به لحاظ بعد سیاسی و عاطفی را بر آن می‌چربد. به عبارت دیگر، هویت اسرائیلی به عنوان یک هویت ملی درونی نشده است و صرفاً وابستگی شهری و جغرافیایی را توصیف می‌کند. طبق تحقیقات مرکز پژوهشهای صلح که در سال ۲۰۰۱ و در جامعه آماری بیش از ۱۲۰۰ نفری انجام شد، تبعیضهای اعمالی علیه فلسطینی‌های اسرائیل سبب تحریک ناراضیتی به هویت و اعتراض آنها علیه دولت می‌شود.

آنها هفت هویت را در میان فلسطینی‌های اسرائیل اندازه‌گیری کردند. براساس این شاخص‌ها هویت‌های متفاوت رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. هر جا که شاخص که هویت‌های اسرائیلی در پایین قرار دارد، به معنای که تبعیضات کمتر، قدرت بیشتر فلسطینیان اسرائیلی و عملکرد مثبت و دموکراتیک رژیم است. از نظر شاخص سنجش از رژیم، نمودار شماره ۱ شاخص ناراضیتی و تبعیض علیه فلسطینیان را اندازه‌گیری می‌کند. نمودار شماره ۳ شاخص سنجش رژیم بر اساس عملکرد دموکراتیک نسبت به اقلیت فلسطین، و شماره ۲ شاخص اعتراض براساس هویت را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های زیر می‌توان نتیجه گرفت که هرچه شکافهای عربی یهودی بیشتر شود، هویت واحد فلسطینی منسجم‌تر و شکل‌گیری هویت واحد ملی برای اسرائیل مشکل‌تر می‌شود که این امر می‌تواند جامعه اسرائیل را دچار بحران هویت کند.<sup>۱۶</sup>

حقیقت این است که تنها هویت اسرائیلی است که از نظر اقتصادی، نظامی و سیاسی به عنوان هویت حاکم و پیروز مطرح شده است و در خلال این پیروزی، تصویر ذهنی اسرائیلی‌ها مبنی بر اینکه فلسطینی حق زندگی در سرزمین موعود یهود را ندارد، هنوز تغییر نکرده است. این انکار حقوق فلسطینی‌ها برای ماندن در سرزمین مقدس یهود، خود را به

صورت سه خط مشی کلی در برنامه اسراییل در مورد فلسطینی ها ظهور یافته است. نخستین خط مشی، کم کردن جمعیت فلسطین بوده است؛ یعنی کاهش هر چه بیشتر تعداد فلسطینی های مناطقی که تحت کنترل اسراییل قرار دارند که از ابتدای سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ و سپس از سال ۱۹۶۷ تاکنون ادامه داشته است. دومین خط مشی، جایگزینی بوده است؛ یعنی تشویق مستقیم و غیر مستقیم گسترش خانه های مسکونی یهودی در سراسر مرزهایی که فلسطینی ها در آن سکونت دارند یا در بلندیهای جولان که سوری ها در آنجا زندگی می کنند، در حالی که فلسطینی های فاقد حق، به ترک سرزمین خود تشویق می شوند و جای آنها را اسراییلی های محق می گیرند. سرانجام، سومین گزینه اسراییل ناتوان کردن آنها به هر وسیله، به ویژه از طریق کنترل پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بوده است.<sup>۱۷</sup>

### شکاف سفاردی اشکنازی

یکی دیگر از شکافهای مهم در جامعه اسراییل شکاف اشکنازی و سفاردی است. آنهایی که از غرب (اروپا و آمریکا) به اسراییل آمدند به اشکنازی و آنهایی که از آسیا و آفریقا به خصوص از کشورهای عربی به اسراییل مهاجرت کرده اند، به سفاردی معروفند.

### زمینه های شکل گیری شکاف اشکنازی- سفاردی

در مورد چگونگی بروز این شکاف و نیز تغییراتی که در ترکیب قومی جامعه اسراییل رخ داده است، دو دیدگاه وجود دارد: الف. نخستین دیدگاه که در کتاب سیاست و حکومت در اسراییل مطرح شده، به سه عامل می پردازد.

۱. اشکنازیسم و سفاردیسم بیش از هر چیز یک تقسیم بندی فرهنگی است. یهودیان اشکنازی برخاسته از اروپا هستند که به زبان یدیش صحبت می کنند، یابا عبارت دیگر یهودیان آلمانی اند. از آنجا که اغلب یهودیان آمریکا همانند یهودیان آفریقای جنوبی و آمریکای لاتین منشاء اروپایی دارند آنها نیز اشکنازی به شمار می روند، صرف نظر از اینکه به زبان یدیش صحبت کنند یا نه.

۲. یهودیان اشکنازی جنبش صهیونیسم را برای حل مشکلات فردی و جمعی خود و بدون توجه به سایر یهودیانی که خارج از چارچوب های فرهنگی آنها قرار می گرفتند بنیانگذاری کردند و آنها به ایجاد یی شوف پرداخته و بر جامعه اسرائیل تسلط یافتند. آنها همچنین به احیای زبان عبری به عنوان زبان رسمی اسرائیل مبادرت ورزیدند که به عنوان ابزار ارتباطی جایگزین زبان یدیش شد و اغلب صبراها با آن نا آشنا هستند.

۳. اشکنازی ها به هیچ وجه یکدست و واحد نیستند. آنها از مناطق زیادی آمده و اجتماعی رادر اسرائیل شکل دادند که دیدگاههای فرهنگی، ارزشها و تصورات رایج در کشورهایی را منعکس می کردند که به مبداء مهاجرت این گروهها بود. خصوصتهای منطقه ای سنتی (مثل آنچه بین مجارستانی ها، لهستانی ها، چک ها و اسلواک ها یا حتی بین مناطق مختلف یک کشور مثلاً کالیفرنیا و ورشو در لهستان وجود دارد) در بین یهودیان مهاجر و فرزندانشان نیز استمرار یافته است. یهودیان اشکنازی که از آمریکا آمده اند و یهودیانی که از شوروی آمده اند، نقطه اشتراک اندکی باهم دارند. با این حال میراث و ماترک اروپایی آنها در فرهنگ در حال تکوین و شکل گیری اسرائیل به شدت جاری است. به رغم تلاش برای استحاله برخی عناصر فرهنگ سفاردی، بستر اصلی زندگی اجتماعی و فرهنگی اسرائیل همچنان بیشتر صبغه و جلوه اروپایی دارد.<sup>۱۸</sup>

ب. دیدگاه دیگری که در مورد این شکافها وجود دارد؛ متمرکز بر بحران یهودیان غرب در درک شرق است. در واقع تضادی که بن گورین بین عرب و ارزشهای اصیل یهودی قائل شده است، برگرفته از نگرش و تفکر اروپایی نسبت به ملت‌های دوره استعمار نوین است. در این دوره غرب الگوی فرهنگی روشنفکری در جهان به شمار می رود. در حالی که شرق به عنوان پایه و اساس سنت معرفی می شود. به این ترتیب نظریه پردازان اسرائیلی اروپا، در تفسیر این پدیده آن را سیاستی برای حذف عمدی و حساب شده مهاجران شرق نمی دانند، بلکه معتقدند آنچه که باعث عدم ادغام و پذیرش این دسته از مهاجران در بافت و ساختار جدید اسرائیل شد، فقدان مهارتهای آموزشی و حرفه ای در میان آنها بوده است. آنها شرق را فاقد ذات و هویت تاریخی می دانند که برخلاف غرب، عقل گرایی جدید، قدرت درک و اداره خود را ندارند. عدم پذیرش هویت عربی و شرقی در بافت و ساختار اسرائیل، به طور قطع با عدم

پذیرش هویت شرقی یهود همراه است و فرهنگ عبری - که همان فرهنگ گروه اول از اسرائیلی هاست - فرهنگ حاکم و رایج است که از فرهنگ یهودیان شرق فاصله دارد. به این ترتیب، عملیات جذب در اسرائیل از پایه هرم به بالا به نحوی انجام نگرفت که منجر به ادغام گروههای یهودی شرق در بافت اجتماعی اسرائیل شود. در واقع موضوع، این بود که فرهنگ و موجودیت گروه اول از اسرائیلی ها، بر یهودیان شرقی که بعد از تاسیس اسرائیل وارد سرزمینهای اشغالی شدند، تحمیل شد.<sup>۱۹</sup>

شواهد و مدارک بسیاری دال بر اعمال تبعیض بر ضد یهودیان شرقی در جامعه اسرائیل وجود دارد. از جمله بارزترین شواهد این تبعیض می توان به پایین بودن سهمیه آنها در درآمد و آموزش در مقایسه با یهودیان اشکنازی اشاره کرد. روشن است که گروه اول از مهاجران یهودی و مهاجران اروپایی که پس از تاسیس کشور وارد اسرائیل شده اند، از امتیازات مادی برخوردارند. آنها در محله هایی سکونت دارند که بهای زمین در آنجا پیوسته در حال افزایش است و عده ای از آنها نیز از آلمان غرامت می گیرند. آنها خانواده های کوچک و کم جمعیت دارند، به طوری که سهم زمین برای هر نفر از آنها بسیار زیاد است. در آمد یک اشکنازی بیش از در آمد یهودیان شرقی یا همان سفارديم است. بهترین مثال برای تبعیض بین یهودیان اروپایی و یهودیان شرقی در زمینه آموزش مشاهده می شود. در سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ شکافهای موجود در این زمینه بین یهودیان شرقی و اشکنازی ها افزایش یافته است. البته با اینکه این فاصله ها در چند سال تحصیلی کاهش داشته اند، اما درصد آن از ۷۷ درصد به ۸۸ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، تبعیض در سطح تحصیلات دانشگاهی هیچ تغییری نکرده است. امکان دسترسی اسرائیلی های اروپایی الاصل در سال ۱۹۹۵ در گروه سنی ۲۵ تا ۳۹ سال به مدرک دانشگاهی، ۳/۷ برابر یهودیان شرقی بوده است. با نگاه به شکاف تحصیلات علمی بین دانش آموزان اشکنازی، این حقیقت با وضوح بیشتری خود را نشان می دهد. این شکاف در میان دانش آموزان کلاس چهارم متعلق به دو گروه اسرائیلی، ۱۲/۰۱ درصد بوده است.

### درصد تحصیلات دانشگاهی بین اشکنازی و سفاردی

درباره فرصت دستیابی به مدارک علمی شکافهای موجود بین دو گروه، ۱۵/۸ درصد و در موضوعات علمی ۴۱/۷ درصد است. تعداد یهودیان شرقی که به مدارک علمی دست یافته اند، ۳۱/۹ درصد کمتر از یهودیان غربی است. این فاصله به خصوص در رشته های فیزیک و علوم پایه بیشتر مشاهده می شود و به ۵۹/۶ درصد می رسد. این حقیقت در بازار کار و به تبع آن در سطح درآمد نیز افراد تاثیر گذاشته است. این اختلافها در سطح درآمد و برخورداری از آموزش بین یهودیان اروپایی و یهودیان شرقی اختلافات و تقسیم طایفی و طبقاتی را به وجود آورده است. به طوری که طبقه کارگر عموماً شرقی اند. طبقه میانی نیز با اشکنازی ها آمیخته اند. البته اشکنازی های این طبقه نیز در سطحی بالاتر قرار دارند، اما طبقه بالای جامعه و نخبگان به طور واقعی و علنی از اروپایی ها هستند. این همان بنیان و ساختار ثابتی است که در آن شکافها و اختلافات طبقاتی از نسل اول از ساکنان اسرائیل به نسل بعدی که در داخل اسرائیل متولد شده اند، به ارث رسیده است. از لحاظ میزان درآمد و سطح زندگی هر چند میزان نابرابری و اختلاف نسبت به آموزش کمتر است، ولی باز هم چشمگیر به نظر می رسد. به طوری که در سال ۱۹۹۹ از لحاظ دهک درآمدی در پایین ترین سطح قرار داشتند. یعنی ۱۵/۴ درصد برای سفاردی ها و ۲۹ درصد برای اشکنازی ها بوده است.<sup>۲۰</sup>

### درآمد سالیانه اشکنازی ها و سفاردی ها

البته تجربه مقاومت های اقتصادی - اجتماعی و آگاهیهای قومی به وسیله شرقی ها فرصتها برای ترقی آنها به وجود آورد و همه شرقی ها فقیر و محروم باقی نماندند. به علاوه آنها به طبقه متوسط هم رسیده اند. برخلاف تصور خودشان که بعید می دیدند، اما شکاف اقتصادی اجتماعی بین اشکنازی و سفاردیم هنوز یک مسئله مهم داخلی باقی مانده است. هر چند شدت آن نسبت به سایر شکافها در جامعه اسرائیل کمتر است.<sup>۲۱</sup>

## شکاف دینی

مهم‌ترین شکاف اختلاف برانگیز در جامعه صهیونیستی موضوع دین و سیاست یا رابطه دینداران و سکولارهاست. با اینکه بنیان و اساس دولت اسرائیل نشأت گرفته از تفکر دینی و نژادی است، دولت ادعای سکولار بودن دارد و بیشتر صهیونیست‌ها نیز اعتقاد عمیقی به اصول دینی یهود ندارند. در مقابل، بخشی از اقلیت جامعه با تمسک به اصول دینی خواهان اجرای کامل این اصول در تمام سطوح جامعه هستند. این عده با وجود اقلیت بودن از اهرمهایی قوی برای تحمیل عقاید خود بر سیستم سیاسی برخوردار هستند.

۱۵۹

لوراه زرمبسکی در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۲ میلادی کتابی به نام «چند دستگی دینی و غیردینی در اسرائیل از دیدگاه تصمیم‌گیران و افکار عمومی» در اسرائیل منتشر کرد، که در بیت المقدس تحت عنوان سلسله پژوهشهای دین و دولت توسط آکادمی پژوهشهای سیاسی (بلورسهایمر) به چاپ رسید. این کتاب به تقسیم بندی میان مذهب‌یون و غیرمذهب‌یها می‌پردازد. با توجه به وضعیت فعلی جامعه اسرائیل، از نظر دینی می‌توان این جامعه را به شش بخش تقسیم کرد:

۱. سکولارها: این فرقه بر اهمیت یک اسرائیل دموکرات و لیبرال تأکید می‌ورزند. این عده ضمن تأکید بر ارزش فرهنگی میراث یهود، هرگونه الزام دینی در این زمینه را رد می‌کنند. لذا لیبرال‌ها جزو گروه مخالفان دین به شمار می‌روند.

۲. گروههای غیر مذهبی: این عده به رابطه میان یهود و امر الهی اعتقاد نداشته و آن را نفی می‌کنند، و با احکام یهود روی گردان هستند و یا تنها به عنوان یک موضوع فرهنگی با آن برخورد می‌کنند و معتقد به جدایی دین از سیاست هستند.

۳. گروههای ملی (ملیون): این گروهها بر ارزش فرهنگی و تاریخی میراث یهود تأکید دارند، اما آن را آسمانی نمی‌دانند، لذا معتقد به حفظ آن از طریق حفظ اسرائیل به عنوان یک حکومت دموکراتیک هستند.

۴. مذهب‌یون: این عده جامعه عبادی و معنوی اسرائیل را که به اصول آسمانی اعتقاد دارد، نشان می‌دهند. شریعت یهود منبع تصمیم‌گیری این گروههاست و خود به دو گروه مذهب‌یون ملی گرا و خریدیم تقسیم می‌شوند. مذهب‌یون ملی گرا، اسرائیل را بر اساس اصول

اعتقادی و دینی پایه ریزی کرده و معتقدند که اسرائیل فعلی نماینده عهد میان خدا و ملت اسرائیل است. این عده همچنین صلاحیت رژیم فعلی را ناشی از این عهد می دانند و در فرهنگ از منابع دینی و سایر منابع استمداد می طلبند. درمقابل، خریدیم ها هرگونه مفهوم دینی حکومت را رد کرده و معتقدند که اسرائیل تنها با آمدن مسیح به قداست دست می یابد. همچنین منبع انحصاری معارف خود را از شریعت یهود می دانند، و از مردم می خواهند که به خاطر حفظ شریعت، تلاشی مضاعف داشته باشند، اما هم زمان به دلیل نگرانی از جهان خارج می کوشند تا حایلی میان اسرائیل و جهان خارج ایجاد کنند.

۵. سنت گراها: این عده از طریق احترام به دین، سنتهای یهود را اجرا می کنند، اما برخلاف مذهب یون شریعت یهود را به عنوان منبع تصمیم گیری نمی دانند. اکثر سنت گراها، سفاردی هستند و ۳۶ درصد از جمعیت اسرائیل را تشکیل می دهند. با این وجود در مسایل مربوط به روابط میان مذهبیون و غیرمذهبی ها نفوذ چندانی ندارند؛ چرا که از نظر سیاسی سازمان یافته نیستند، لذا اکثراً در موضع گیری خود شکست می خورند. سنت گراها نماینده طبقات میانه حال جامعه هستند، اما به دلایلی که ذکر شد و برای آنکه متهم به ستیزه جویی با دین نشوند در مسایل سیاسی سکوت اختیار کرده و موضع گیری نمی کنند.

۶. گروههای دینی جایگزین: شامل گروههای محافظه کار و اصلاح طلب می باشد که جانشین اندیشه دینی (خریدیم) به حساب می آیند. این عده تنها چند هزار نفر هستند و در اقلیت قرار دارند. با این حال، از سوی گروههای یهودی خارج از اسرائیل به ویژه در آمریکا، حمایت می شوند. گروههای مذکور نقش محوری در زمینه رابطه میان مذهبیون و غیرمذهبی ها ندارند و بیشتر به مشکلات میان دین و حکومت و آینده اسرائیل می پردازند. برای درک بهتر این موضوع نمودار زیر این تقسیم بندی را به وضوح نشان می دهد.<sup>۲۲</sup>

براساس این تقسیم بندی کاملاً می توان به اختلافات عمیق بین گروههای دینی اشاره کرد که در این میان شکاف بین دینداران و سکولارها از مهم ترین شکافها در جامعه اسرائیل است و در زمینه های خدمت نظام وظیفه، آموزش و پرورش، حرمت روز شنبه، ازدواج و غیره نمود دارد. حتی گروههای مذهبی، شهروندان غیر مذهبی را به دلیل پوشش نامناسب یا بی اعتنایی به برخی قوانین به طور فیزیکی یا لفظی مورد حمله قرار می دهند. افرادی را که



روزشبه اقدام به استفاده از وسایل نقلیه در خیابان یا تماشای تلویزیون می کنند، مورد حمله قرار می دهند. این باعث می شود که شهروندان غیرمذهبی تحت فشار قرار بگیرند.» به خصوص یهودیان روسی، مذهبیون را بدتر از رژیم کمونیستی می دانند؛ زیرا آنها معتقدند کمونیست ها فقط به عقاید سیاسی حساسیت داشتند، حال آنکه مذهبی ها در اسرائیل در تمام زندگی خصوصی همسایگان دخالت دارند.<sup>۲۳</sup>

## شکافهای سیاسی

### ۱. ریشه های اجتماعی شکافهای حزبی

برای شناخت بهتر عوامل اصلی شکافهای حزبی در اسرائیل باید به دوره پیش از تشکیل دولت اسرائیل توجه شود؛ یعنی زمانی که صهیونیسم شکل گرفت و باعث ایجاد موافقان و مخالفان نسبت به این حرکت گردید. چرا که مخالفان دیدگاههای متفاوتی نسبت به شکل گیری صهیونیسم داشتند و اساساً مشروعیت این رژیم را به رسمیت نمی شناختند و بر اساس امتیازاتی که به آنها داده شد، با جریان صهیونیسم همکاری کردند. بدین گونه در شناخت ریشه های شکافهای حزبی در اسرائیل سه دوره متصور است. دوره نخست پیش از تشکیل دولت که با شروع مهاجرت های صهیونیستی در دوران قیمومت بریتانیا که دارای منافع و ایدئولوژی متفاوتی بودند، شروع شد. در این دوره از سالهای ۱۹۴۵-۱۹۲۲ گروههایی با ترکیبات متفاوت وارد اسرائیل شدند. دوره دوم که شروع آن از سال ۱۹۴۸ یعنی شکل گیری دولت اسرائیل است، پیوستگی مخالفان باسیستم و متبلور شدن شکافهای حزبی به عنوان شکاف مرکز پیرامون شناخته می شود. دوره سوم از سال ۱۹۶۷ تاکنون شروع می شود که با اشغال سرزمینهای بیشتر و نحوه برخورد با فلسطینیان و سایر زمینه های اقتصادی، مصالحه سرزمینی دین و سیاست نمود می یابد.

### مرحله نخست: پیش از تاسیس دولت اسرائیل

در این مرحله به سبب تفاوت های گروه های مختلف در منافع و ایدئولوژی، پیدایش اولین خطوط شکافهای حزبی در اسرائیل آغاز شد.<sup>۲۴</sup> به طور خلاصه در جدول زیر شکافهای

دوره اول را می بینیم.

### مرحله دوم: شکل گیری دولت و برآمدن شکافها

اگر در طول اولین مرحله، اختلافات ایدئولوژیک به علت آرایشهای تاریخی اجتماعی قبل از دولت ظاهر شده بودند، استقلال دولت صهیونیستی مقدمات لازم را برای تبدیل تمایز به شکاف مهیا ساخت. بعد از سال ۱۹۴۸ حزب مایپای به عنوان حزب مسلط از عرصه سیاسی اجتماعی خارج شد. حزب کارگر که منابع سیاسی، اقتصادی و نمادی را طی سه دهه در انحصار خود داشت، به رغم موضع برجسته اش نتوانست اکثریت را به دست بیاورد و در بهترین موقعیت اش ۳۸ درصد آرا را در سال ۱۹۵۹ کسب کرد. از این رو حزب مایپای هرگز قادر نبود بدون ایجاد ائتلاف حکومت را تشکیل دهد. محدودیتهای سازمانی نگرشهای متفاوتی نسبت به مرکز ایجاد کرد. ۱. مخالفت کلی و خروج از سیستم؛ ۲. مخالفت با سیستم از درون؛ و ۳. وفاداری به سیستم و رقابت برای قدرت و نفوذ جهت قرار گرفتن در مرکز. (نمودار ۲) <sup>۲۵</sup>

وضع شبه پیرامونی و احساس نارضایتی فزاینده نسبت به نهادهای پیشگام کارگر منجر به شکل گیری ائتلاف سه گروه ترقی خواه علیه نخبگان پیشگام مرکز شد. نخست صهیونیست های عمومی با حزب ترقی خواه که در سال ۱۹۶۱ منجر به تشکیل حزب لیبرال شد و در نهایت با حزب حیرات و کاحل ترکیب و بعدها لیکود نامیده شد. در واقع هدف آنها جمع کردن جمعیت های ضعیف و کسانی بود که از مرکز اخراج شده بودند و هدفشان مخالفت با نخبگان کارگری بود. برای نتیجه می توان گفت سلطه طولانی مدت حزب کارگر در مرکز سیاسی و موقعیت شبه پیرامونی گروه های اجتماعی غیر پیشگام و احزاب سیاسی مانع همکاری بین دو گروه شد و شکاف بین راست و چپ را شکل داد. (نمودار ۲) <sup>۲۶</sup>

### مرحله بعد از ۱۹۶۷: سیاسی شدن شکاف بین راست و چپ

چالش های اساسی از زمان ۱۹۶۷ و تصرف سرزمین های بیشتر و برجستگی برخوردهای شدید با فلسطین موجب شکاف اصلی در سیاست اسرائیلی شد. به رغم اتفاقات بسیار

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

چشمگیر شکافهای ساختاری همچنان ادامه یافته و فراگیر شدند. به طور مستقیم به هویت جمعی در ابعاد داخلی و خارجی مربوط می شود. دیدگاههایی متناقض درباره دشمنی و یا یافتن راه حلی در برخورد با فلسطینیان ایجاد شد. به کارگیری سیاستهای مصالحه جویانه به وسیله بعضی رهبران (رابین، باراک، شارون) با واکنشی وحشتناک تعدادی از یهودیان نظیر ترور و شیوع خشونتها به طرف فلسطینی ها همراه شد. در دوره دیگر کسانی بودند که به مصالحه با فلسطینیان نظر نداشتند (شامیر، نتانیاها، شارون) و این خط مشی ممکن بود جنگ طلبی یهود را آرام کند، اما نتایج با ثبات و مسالمت آمیزی نداشت. بن بست روند صلح و برجستگی تضادها پیروزی قطعی یک دیدگاه بر دیدگاهی دیگر را نامحتمل کرده است.

در پی جنگ ۱۹۶۷ و اشغال سرزمینهای جدید از سوی ارتش اسرائیل بود که مفهوم شکاف معنای واضح تری یافت. موضوع شکافهای اجتماعی نقش مهمی در تعیین نتیجه انتخابات داخلی اسرائیل دارد. برای مثال می توان به انتخابات ۲۰۰۶ اسرائیل حزب اسرائیل خانه ما به رهبری لیبرمن که عمدتاً از مهاجران روسی بودند اما دستور اصلی برای آنها اهمیت برخوردار بود در سال ۲۰۰۳ شینوی به عنوان حلقه ضد خریدی از خط مشی برخورد با فلسطینیان اجتناب می کرد. تصویر اسرائیل به عنوان مجموعه ای از قبایل که دارای هویت خاص و منافع ویژه هستند، دنبال می کنند، نمایان گر کثرت شکافها است. اقلیت عرب از معرفی اسرائیل به عنوان تجلی و نماد دولت یهود ناراضی است.

احزاب راست و چپ در قالب هویتی که برای خود تعریف کرده اند، سیاستهای خود را در داخل و خارج دنبال می کنند. می توان در دو بعد به آنها نگاه کرد. ۱. هویت داخلی که به طبیعت دولت یهود در جامعه مربوط می شود؛ ۲. هویت خارجی که به مرزهای دولت و رابطه شان با فلسطینیان و عرب ها و بقیه جهان مربوط می شود. این دو بعد هویت جمعی با یکدیگر هم پوشانی دارند. از یک سو ارتدوکس های افراطی در داخل بر رعایت اصول مذهب تاکید می کنند، در مقابل آنها تعصب بیشتری نسبت به موضوع برخورد با اعراب و اسرائیل دارند؛ همچنان که وقتی نخست وزیر شارون در سال ۲۰۰۵ به طور یک جانبه از نوار غزه عقب نشینی کرد، تظاهرات بزرگی علیه رهبران بر پا کردند.<sup>۲۷</sup> با توجه به این مسایل می توان شکافهای حزبی را در اسرائیل به سه نمودار نشان داد.

## نتیجه گیری

با بررسی مجموعه عوامل می توان گفت که: شکافهای اجتماعی جامعه اسرائیل در سه حوزه شکافهای قومی، شکافهای دینی و شکافهای سیاسی قابل دسته بندی بوده و مجموعه این شکافها با تضعیف هویت ملی، تهدیدی اساسی برای امنیت ملی اسرائیل محسوب می شوند.

۱. اگر یک دولت نتواند شکافهای قومی را تعدیل کند، این شکافها می تواند به جنبشهای قومی تبدیل شود و امنیت ملی را به مخاطره اندازد. در این زمینه روتچلید از جمله کسانی است که معتقد است برای به وجود آمدن جنبشهای قومی باید میان عوامل عینی و ذهنی تمایز قایل شد. عوامل ذهنی شامل تمایز متغیرهای روان شناختی، ایدئولوژیکی، سیاسی و فرهنگی هستند، در صورتی که عوامل عینی بیشتر به تمایز در عناصر اقتصادی و اجتماعی مربوط می شوند. به نظر وی عوامل عینی تقاضاهای قابل مذاکره هستند؛ به این معنی که مشروعیت منافع رقیب را می پذیرند و نیاز به فرمولهای بده-بستان دوجانبه با حکومت موجود را تصدیق می کنند.

بررسیها نشان می دهد که عوامل ذهنی شکافهای اجتماعی در جامعه اسرائیل افزایش می یابد. این عوامل ذهنی به مراتب از عوامل عینی خطرناک ترند. براساس یافته های روتچلید هر دو عامل (عینی و ذهنی) به صورت بالقوه در شکل گیری نارضایتی و جنبشهای قومی موثر هستند. اما او تاثیر گذاری متغیرهای ذهنی را منبع قدرتمندی برای جنبشهای قومی می داند. زیرا او معتقد است که این متغیرها به طور مستقیم به ملی گرایی قومی بر می گردد.<sup>۲۸</sup> براساس این نظریه و شکافهای قومی موجود در جامعه اسرائیل، جامعه اسرائیل مستعد جنبشهای قومی است. در نتیجه، علاوه بر کاهش پکیارچگی، هسته اصلی ناامنی داخلی را شکل و امنیت ملی را تهدید می کند.

۲. همان گونه که درباره ویژگیهای جامعه امن و وجود وفاق و انسجام اجتماعی توضیح داده شد، شکاف دینی در اسرائیل از مهم ترین شکافها در جامعه اسرائیل است که وفاق، انسجام اجتماعی و شکل گیری هویت واحد و منسجم ملی را در جامعه اسرائیل مختل نموده و در نتیجه فرایند ملت سازی را به عنوان یکی از اساسی ترین مؤلفه های جوامع متعادل، با

مشکل مواجه می‌سازد. مذهب یهودی که نقش مهمی در گرد هم آوردن نژادهای مختلف از سراسر دنیا تحت اسم شهروند اسرائیلی داشته، یکی از عوامل شکست نظریه «دیگ ذوب نژادی» است. هنوز شکاف عمیقی بین یهودیان متدین و سکولار وجود دارد. این شکاف تا حدی است که یهودیان غربی در روزنامه و رسانه های خود یهودیان شرقی را «حشرات» و «حیوانات» خطاب می‌کنند. این در حالی است که یهودیان غربی تنها یک سوم جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند و در عین حال دو سوم دیگر جمعیت را مجبور به زندگی با عقاید و پیروی از آداب و رسوم و سیاستهای خود کرده‌اند.

۱۶۵

به اعتقاد بسیاری شکاف بین سکولارها و دینداران چنان عمیق است که وقتی از شکاف دینداران و سکولارها سخن گفته می‌شود، جنگ داخلی را در ذهن متبادر می‌کند از جمله مناخیم فریدمن به طور جدی از بروز جنگ داخلی در اسرائیل سخن می‌گوید،<sup>۲۹</sup> نافذ ابوحنسه هم در کتاب دینداران و سکولارها در جامعه اسرائیل بر اساس نظر سنجیها نشان می‌دهد که ۴۷/۲ درصد از یهودیان اسرائیل با حاشیه ای از تفاوت در دیدگاه بر این باور هستند که قطب بندیهای حاد میان دینداران و سکولارها، جامعه اسرائیل را به سوی جنگ داخلی هدایت می‌کند. به موجب این نظر سنجیها، ۵۱ درصد از سکولارها معتقدند که وقوع جنگ داخلی در اسرائیل اجتناب ناپذیر است. در مقابل ۴۳ درصد از نیروهای دینی سنت گرا و ۳۸ درصد از نیروهای دیندار با دیدگاه سکولارها اشتراک نظر دارند.<sup>۳۰</sup> احمد زیدآبادی در کتاب دین و دولت در اسرائیل از دیگر کسانی است که معتقد است یکی از عوامل اصلی وحدت و انسجام درونی اسرائیل، وجود دشمنی مشترک به نام اعراب بوده است؛ از همین رو پیش بینی می‌شود که در صورت دستیابی اسرائیل به صلح به ویژه با فلسطینیان، شکاف بین مذهبی ها و سکولارها و نیز شکاف بین یهودیت ارتدوکس و یهودیت اصلاح گرا و محافظه کار جامعه اسرائیل دستخوش تنش و بی ثباتی شود.

۳. می‌توان گفت شکافهای بین دوجناح مهم در اسرائیل هویتی است؛ یعنی هر دوجناح براساس هویتی که برای خود ترسیم کرده است سیاستهای خود را به مرحله عمل می‌رساند. نگاهی به فرایند صلح عمق شکافهای بین دوگروه را نشان می‌دهد. زمانی که دولت چپ گرای اسرائیل قدرت را در دست داشت نشانه های صلح برای دوطرف آشکار بود.

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

چراکه هویت خارجی برای جناح چپ در قالب اسرائیل لیبرال، دموکراتیک و تشکیل دولت فلسطینی است. اما روزی که پارلمان اسرائیل با اکثریت به اضافه یک معاهده دوم اسلورا تأیید کرد، هزاران تظاهر کننده در میدان صهیون در بیت المقدس گردهم آمدند و بنیامین نتانیاهورهبر حزب لیکود نیز در میان تظاهر کنندگان بود. راه پیمانان تمثال رابین در یونیفرم اس اس را حمل می کردند. نتانیاهو یک سخنرانی تحریک آمیز ارائه کرد و اسلوی دوم را یک توافق تسلیم خواند و رابین را متهم کرد که به دلیل پذیرش دستورات دیکته شده عرفات، موجب تحقیر ملی شده است. به عبارتی دیگر، جناح راست تعریفی که از هویت داشت، اسرائیل بزرگی بود. ماه بعد در روز ۴ نوامبر ۱۹۹۵ یک متعصب یهودی ملی - مذهبی با هدف آشکار خارج کردن فرآیند صلح از مسیر خود رابین را ترور کرد. مرگ رابین همچنان که قاتل او انتظار داشت یک انفجار ساختاری در کل فرایند صلح بود. در زمان فعلی که قدرت در دست راستی ها است با توجه به بعد هویتی، فرایند صلح دو راه حل اساسی دارد: راه حل واقع گرایانه و راه حل معجزه آسا. راه حل معجزه آسا شامل شفاعت خدایی می شود و راه حل واقع گرایانه یک توافق داوطلبانه بین طرفین را در بر می گیرد.

۴. هزینه های ملی اسرائیل برای رفع ضرورتهای امنیتی و نظامی بر بودجه سالانه آن سنگینی می کنند و تا زمانی که اسرائیل در فرایند گذار از یک پیکار کامل با دولتهای منطقه به سوی ایجاد روابطی نامتوازن به سر برد، ادامه خواهد یافت. هنوز اقداماتی برای کاهش هزینه های امنیتی به چشم نمی خورد، اگر چه تقاضای عمومی برای حل مسایل مربوط به دستور کار داخلی رژیم در حال افزایش است. ولی روند کند صرف هزینه های بیشتر برای حل مسایل داخلی موجب توقف رقابتهای شدید گروههای قومی و هم سود بر سر بحث بودجه ملی نشده است. منافع رقیب بر سر قسمتی از آنچه می تواند تقسیم منافع صلح باشد، در حال گسترش است، با این حال غیر قابل بیان و مبهم باقی مانده است. به عبارت دیگر، حتی اگر رهبران اسرائیل اراده سیاسی نشان دهند، توانایی جمعی کشور برای حل مسایل داخلی به شدت تحت تاثیر محدودیتهای مالی و انتظارات غیر واقع بینانه قرار خواهد گرفت و در صورتی که حتی سامانه اقتصادی شدیداً کنترل شود، از این وضعیت گریزی نخواهد بود. در نهایت باید خاطر نشان کرد که هویت از بحثهای اصلی در جامعه شناسی اسرائیل است.

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

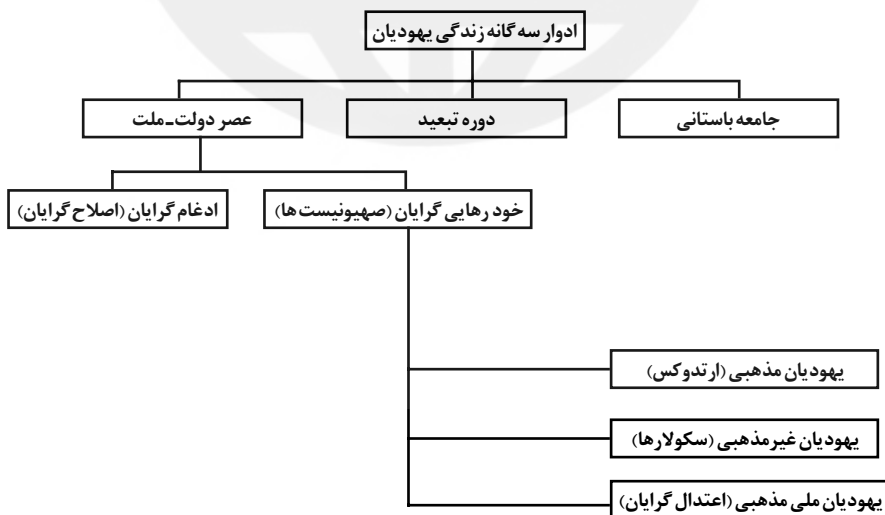
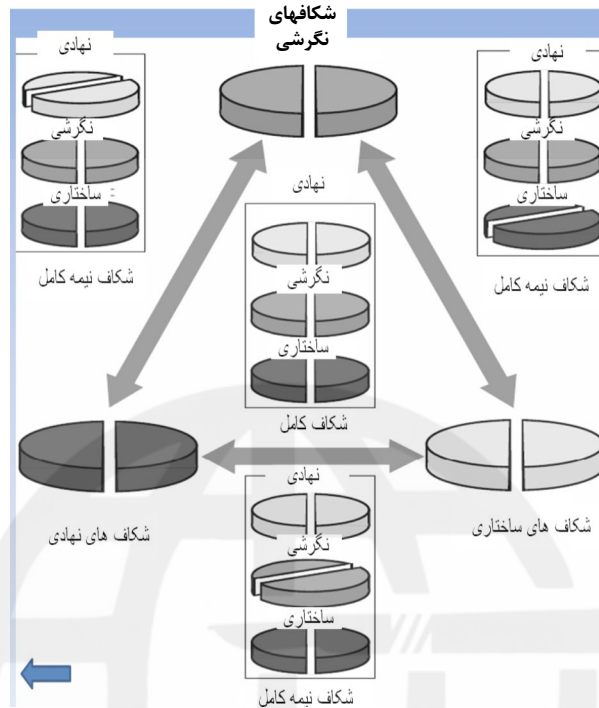
۵. پدیده هویت در معرض انقراض است؛ چرا که در صورت مهاجرت تعدادی از یهودیان به دیگر کشورها موجب تهدید اسرائیل خواهد شد. به طوری که هم‌زمان با عمیق‌تر شدن شکاف‌ها شاهد افزایش مهاجرت‌های معکوس در جامعه اسرائیل هستیم، براساس گزارش روزنامه هآرتص، موضوع مهاجرت و ترک اسرائیل به درگیری دایمی بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده است، به ویژه در بین جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز وابسته به ارتش. همچنین پیش‌بینی شده است در دهه آینده، فقط ۳۰۰ هزار نفر از کشورهای مشترک‌المنافع به اسرائیل مهاجرت خواهند کرد، در حالی که در ده سال گذشته، ۹۰۰ هزار نفر به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند. تعداد مهاجرانی که در سال ۲۰۰۰ به اسرائیل مهاجرت کردند، ۶۰۱۳۰ نفر بوده است؛ در حالی که در سال ۲۰۰۱ این آمار ۵۰ درصد کاهش یافت و فقط ۳۰ هزار نفر با اسرائیل مهاجرت کردند.<sup>۳۱</sup>

با توجه به مباحث مطرح شده، مسایلی چون آلودگی هوا، مدیریت زباله، ترافیک سنگین، توسعه سامانه ترابری بین شهری، وسعت غیر قابل کنترل مراکز شهری، مسایل اکولوژیکی و زیست محیطی و کمیابی آب، تهدیدهای فوری علیه موجودیت اسرائیل نیستند، بلکه شکافهای قومی، مذهبی و حزبی تهدیدی اساسی برای امنیت ملی است. □

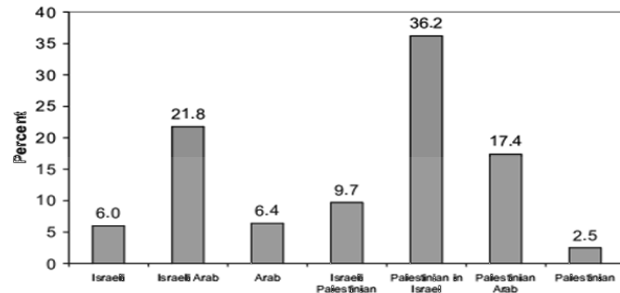
## جدول شماره ۱

شاخص	برای یهودیان	برای عرب ها
میزان درآمد تا سال ۱۹۸۵	از کل درآمدهای ماهیانه ۹۵/۷ درصد به یهودیان تعلق داشته است.	میزان درآمد تا سال ۱۹۸۵ سهیم غیر یهودیان فقط ۴/۳ درصد بوده است
میزان درآمد تا سال ۱۹۹۹	در سال ۱۹۹۹ هم ۸۶/۵ درصد کل درآمد ماهیانه سهم یهودیان بوده است.	غیر یهودیان ۱۳/۵ درصد از درآمد ماهیانه را به خود اختصاص داده اند
میانگین درآمد	میانگین درآمد خانواده های فلسطینی در کشور فقط ۶۰ درصد میانگین درآمد برای خانواده های یهودی است.	
خدمات کشاورزی	حمایت و پشتیبانی مالی دولت از هزینه هایی که کشاورزان یهود برای آبیاری مزارعشان پرداخت می کنند، تقریباً صد برابر مقداری است که به کشاورزان عرب اختصاص می یابد.	
بودجه شهرداریها	بودجه مالی اختصاص یافته از سوی دولت به شورای شهر های یهودی پنج برابر بودجه هایی است که شورای شهر های عرب نشین از دولت دریافت می کنند.	
مشاوران آموزشی	مشاوران آموزشی برای مدارس یهودیان به ۷۵ درصد می رسد.	تنها ۲۵ درصد مدارس فلسطینی دارای مشاوران آموزشی هستند.
مشاوران روان شناسی	مشاوران روان شناسی ۹۱ درصد برای مدارس یهودی می باشد	مشاوران روانشناسی ۲۲ درصد برای مدارس فلسطینی

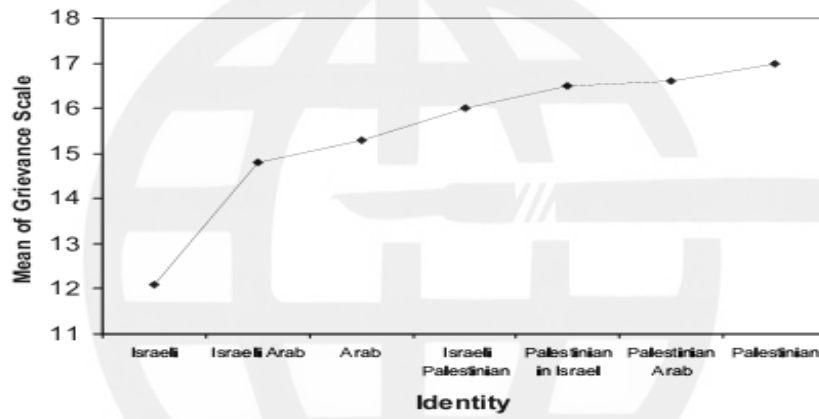




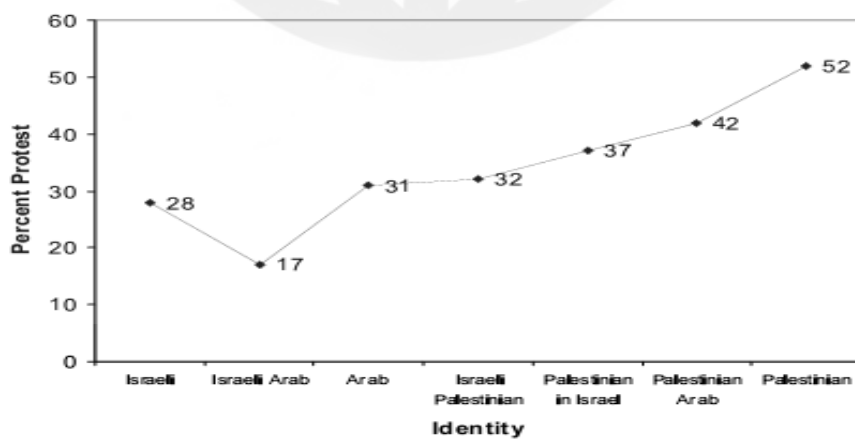
◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی



### سنجش نارضایتی بر اساس هویت

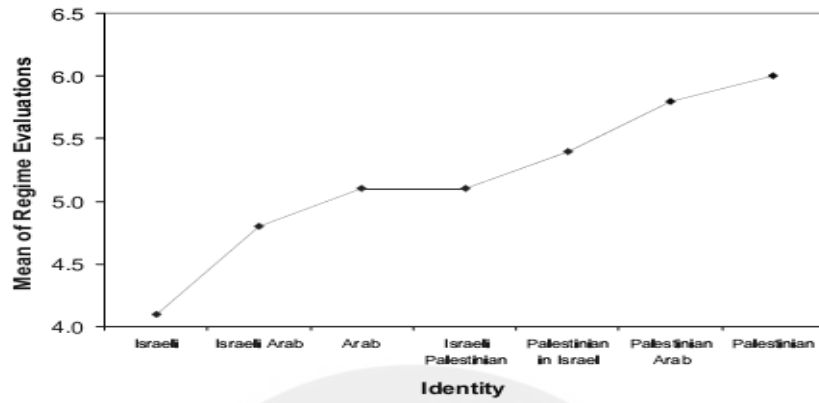


### درصد اعتراض بر اساس هویت



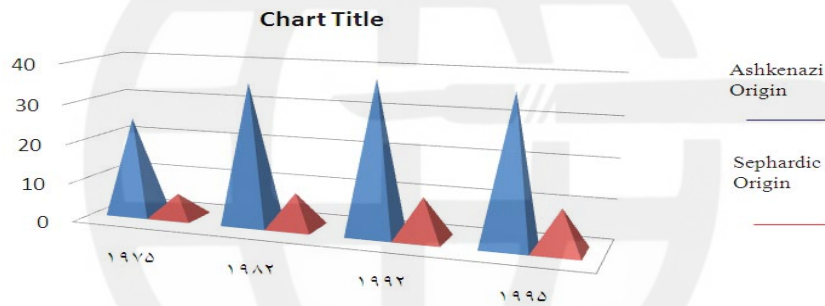
◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

### عملکرد رژیم براساس هویت

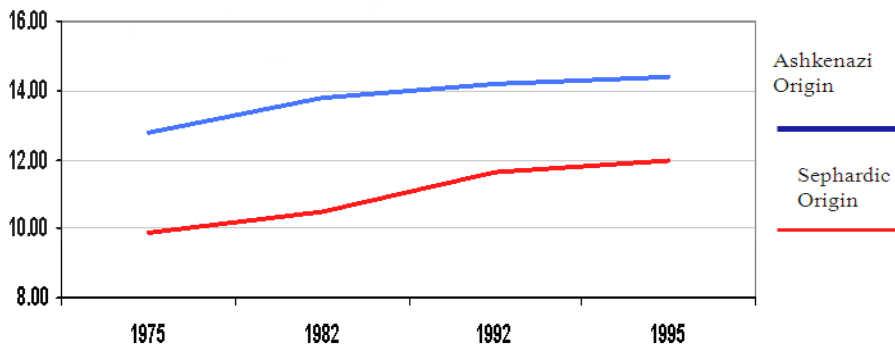


۱۷۱

### درصد تحصیلات آکادمیک بین اشکنازی و سفاردی

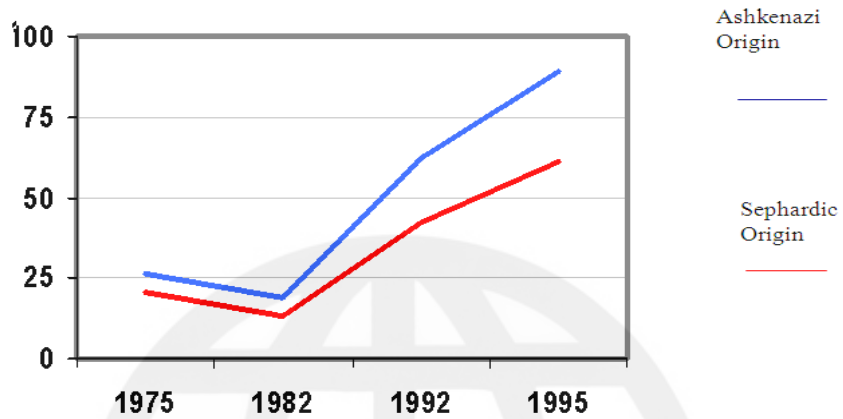


### میانگین سالهای آموزش بین اشکنازی و سفاردی



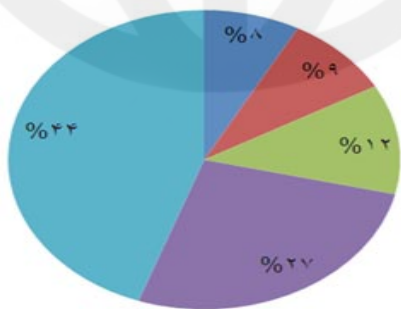
◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

درآمد سالانه بین اشکنازی ها و سفاردی ها



تقسیم بندی یهودیان بر اساس مذهب

سکولار    غیر مذهبی    سنتگرایان    مذهبی    حریدی

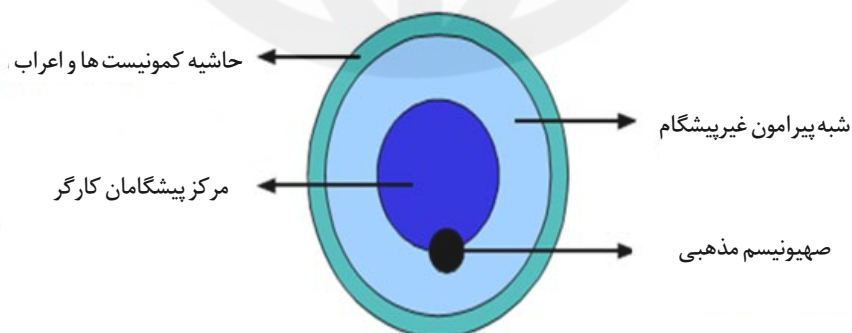


### شکاف‌های دوره نخست

اختلافات گروهی	مسایل	نیروهای سیاسی	طبقات اجتماعی
صهیونیست‌ها در مقابل ضدصهیونیست‌ها	مشروعیت پروژه صهیونیست	کمونیست‌ها عرب‌های فلسطینی آگودات اسرائیل	کمونیست‌ها عرب‌های فلسطینی ارتدوکس افراطی
مذهبی‌ها در مقابل سکولارها	جایگاه مذهب در پروژه صهیونیست	ملی مذهبی‌ها احزاب کارگری	صهیونیست‌های ارتدوکس
لیبرال‌ها در مقابل سوسیالیست‌ها	مدل‌های اقتصادی	صهیونیست‌ها احزاب کارگری	طبقه متوسط پیشگامان
ملی‌گراها	نگرش در مورد سرزمین و ابزارهای دستیابی برای پروژه صهیونیست	احزاب تجدیدنظرطلب احزاب کارگری	بورژوازی شهری پیشگامان

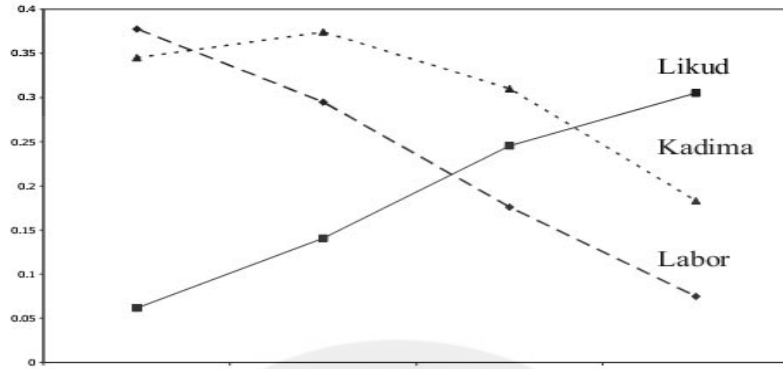
۱۷۳

### نمودار ۲

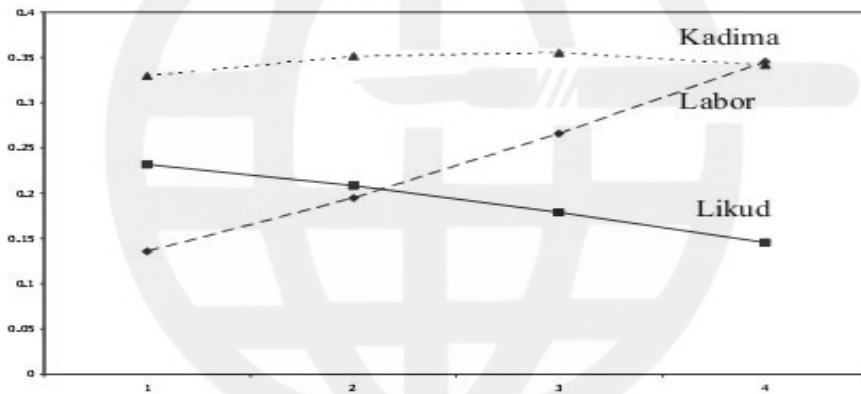


◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

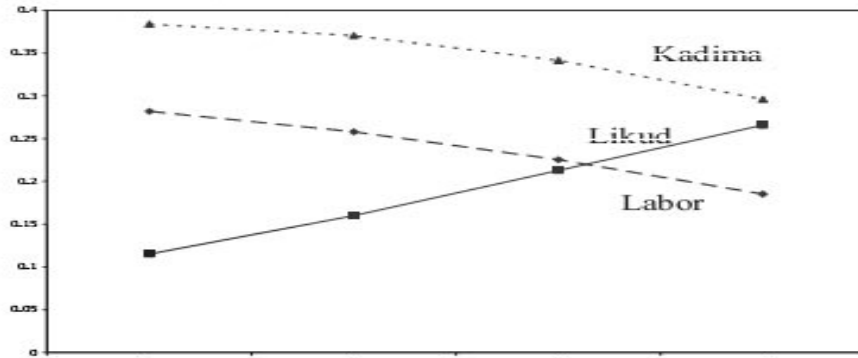
نگرشها در مورد مصالحه سرزمینی (کادیمما - لیکود - کارگر) از موافقت تا مخالفت



نگرشها در مورد شرایط اقتصادی (کادیمما - لیکود - کارگر) از سرمایه داری به سوسیالیستی



نگرشها در مورد جدایی دین از دولت (کادیمما - لیکود - کارگر) از پذیرش تا عدم پذیرش



◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

## پاورقیها:

۱. اسماعیل محمودی، صورت بندی شکافهای اجتماعی ایران در عصر پهلوی، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق، سال ۷۸.
۲. جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، رسا، ۱۳۷۸.
۳. احمد زید ابادی، «شکافهای اجتماعی درون اسرائیل»، چشم انداز ایران، ش ۱۴، ۱۳۸۱.
۴. احمد گل محمدی، «اسرائیل جامعه ای چند پاره»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، ش ۴، ۱۳۸۲.
۵. احمد نقیب زاده، «مبانی اجتماعی طبقات در اسرائیل»، فصلنامه خاور میانه، سال اول، ش ۳، ۱۳۷۳.
۶. باری بوزان، مردم، دولتها و هراس، تهران، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۷. تیسیر الخطیب، «تبعات شکاف اجتماعی در جامعه اسرائیل»، مجموعه مقالات ارزیابی صهیونیسم، اندیشه سازان نور، دی ماه ۸۷.
۸. صبری جریس، ساختارهای صهیونیستی، ترجمه قیس زعفرانی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۱.
۹. شجاع احمدوند، «رویکردی نظری به مفهوم بنیادگرایی (باتاکید بر بنیادگرایی یهودی)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، ۱۳۸۵.
۱۰. محمد ایرانی، «تعامل رژیم صهیونیستی با اعراب ۴۸»، مجموعه مقالات همایش ارزیابی رژیم صهیونیستی، دی ماه ۸۷.
۱۱. موشه ماخور، جنگبی، و آکیوا اور، جامعه اسرائیل، ترجمه علی کشتگر، تهران: شبگیر، ۱۳۵۷.
۱۲. مهران کامروا، نقش هویت های ملی رقابت جو در مناقشه فلسطینی ها و اسرائیلی ها، ترجمه پروین چی، مطالعات منطقه ای اسرائیل شناسی-آمریکا شناسی، ج ۱۲، ۱۳۸۱.
۱۳. ولید محمد علی، «جنبش صهیونیسم و دیانت یهود»، مجموعه مقالات ارزیابی صهیونیسم، اندیشه سازان نور، دی ماه ۸۷.
۱۴. حسین بشیریه و حسین قاضیان، «بررسی تحلیلی مفهوم شکافهای اجتماعی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.
۱۵. روزنامه کیهان، ۴ تیر ماه ۱۳۸۱.
۱۶. احمد زیدآبادی، دین و دولت در اسرائیل، تهران: انتشارات دورنگار، ۱۳۸۱.
۱۷. منیژه نویدنیا، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، بهار ۱۳۸۲.
۱۸. نافذ ابوحنسسه، دینداران و سکولار هادر جامعه اسرائیل، ترجمه، سید حسین موسوی، تهران، مرکز پژوهشهای و مطالعات استراتژیک علمی خاور میانه، ۱۳۸۱.
۱۹. وان پرتزوکیدون دوران، سیاست و حکومت در اسرائیل، ترجمه مسعود آریایی نیا، تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه، ۱۳۸۱.
۲۰. هوشنگ امیر احمدی، «امنیت و قومیت»، ترجمه حسن شفیعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره دوم ۱۳۸۱.
21. Central Bureau of Statistics (CBS), *Statistical Abstracts of Israel*, Vol. 51, Jerusalem: Center Bureau of Statics, Various Years.
22. Perspective in Hazan, Reuven, Maor, Moshe (eds.), *Parties, Elections and Cleavages*, London: Frank , 2000.
23. Ibid.

24. Sharon Weinblum , *Cleavages and Political Party System in Israel*, Université Libre de Bruxelles, Cevipol , 2008.
25. Asher Arian and Michal Shamir, “A Decade Later, the World Had Changed, the Cleavage Structure Remained: Israel 1996-2006,” *Party Politics* ,2008.
26. Kevin Deegan Krause, ‘New Dimensions of Political Cleavage’, in Russell J.-Dalton and Hans-Dieter Klingemann (eds), *The Oxford Handbook of Political Behavior*, 2007.
27. Nadim R. ouhana, *Palestinian Citizens in an Ethnic Jewish State: Identities in Conflict*, New Haven, CT: Yale University Press, 2007.
28. Lowrance Sheerry, “Identity, Grievances, and Political Action: Evidence from the Palestinian Community in Israel,” *International Political Science Review*, Vol. 27, No. 2, 2006.175
28. A. Ghanem, State and Minority in Israel :The Case of the Ethnic state and the Predicament of its.
29. Minority, *Ethnic and Racial Studies*, 21, 1998.